



ارتباط با ما ۰۹۰۰۲۲۰۸۸۵



سوریه- سال ۱۳۹۵ حاج عباس نیلفروشان

گفت‌وگوی «جوان» با هم‌زمان سردار شهید حاج عباس نیلفروشان که در جوار رهبر مقاومت لبنان، سید حسن نصرالله به شهادت رسید

سیدحسن گفته‌بود حاج‌عباس! تو اجابت دعا‌های من در شب قدر هستی

■ **صغری خیل‌فرهنگ**

شهادت حاج‌عباس نیلفروشان در کنار رهبر مقاومت شهید سیدحسن نصرالله، حاصل رفاقتی بود که از دهه ۸۰شکل گرفت و به مرور مستحکم‌تر شد تا جایی که در میانه نبرد طوفان‌الاقصی، سیدحسن، حاج‌عباس را برای حضور در کنار خودش به عنوان هم‌رزم از ایران فراخواند و حاج‌عباس هم مشتاقانه لبیک گفت. سرانجام این رفاقت با درآمیختن خون آنها در خط مقدم جهاد، در شامگاه جمعه ۶مهر ۱۴۰۳ در لبنان، جاودانه و ابدی شد. شهید نیلفروشان در سال‌های عمر پربرت خود در جبهه‌های مختلفی مانند دفاع‌مقدس، مبارزه با داعش، گروهک‌های تجزیه‌طلب و رژیم صهیونیستی حضور فعال داشت و حتی از سوی امریکا تحریم شده بود که این مسئله روحیه مقاوم و مبارز او را نشان می‌داد. شهید نیلفروشان همیشه جزو اولین کسانی بود که از جریان مقاومت مقابل دشمنان منطقه‌ای به‌ویژه رژیم صهیونیستی حمایت می‌کرد و نقش مهمی در هماهنگی نیروهای مقاومت داشت. در سال‌های اخیر، او در کنار فرماندهان و رزمندگان حزب‌الله لبنان، برای دفاع از مردم مظلوم فلسطین تلاش کرد و حدود هفت‌سال مسئولیت عملیات‌های مهمی را در لبنان برعهده داشت. نوشتار زیر، گدری است بر زندگی این مجاهد خستگی‌ناپذیر از زبان سردار شهید حسین سلامی، حاج محمد، هم‌رزم شهید و فرزندش؛

فرزند شهید

■ **رفاقت حاج‌عباس با حزب‌الله لبنان**

اوایل دهه ۸۰بود که پدرم حاج‌عباس نیلفروشان به لبنان رفت تا وضعیت بعد از جنگ ۳۳روزه را بررسی کند. چند سال بعد برای بار اول به عنوان فرمانده عملیات سپاه در لبنان معرفی شد تا در کنار شهید زاهدی، به تقویت حزب‌الله در دوران بعد از جنگ بپردازد. آن سال‌ها، شروعی بود بر رفاقت حاج‌عباس با حزب‌الله لبنان. تا اینکه با شروع فتنه داعش در سوریه، ایشان برای بار دوم با درخواست شهید سلیمانی راهی لبنان شد تا در کنار شهید حجازی، عملیات‌های حزب‌الله، علیه تکفیری‌ها را طراحی، پشتیبانی و فرماندهی کند. صمیمیت شهید نیلفروشان با شهید سیدحسن نصرالله و فرماندهان بزرگ حزب‌الله از جمله شهید ابراهیم عقیل و شهید سیدمحسن شکر در این دوره به اوج خود رسید تا جایی که به درخواست شهید نصرالله، حاج‌عباس در تمامی جلسات شورای جهادی حزب شرکت می‌کرد و نظرات ایشان برای فرماندهان و شخص آقا‌سید تعیین‌کننده بود. فرماندهان حزب‌الله ایشان را نه با اسم جهادی که با اسم کوچک «حاج‌عباس» و گاهی هم با عنوان «کتر» صدا می‌زدند که مقبولیت فکری ایشان را نشان می‌داد.

شهید حاج عباس نیلفروشان در مقابل نشان

■ **«امر مولا»**

روابط حاج‌عباس و آقا‌سید حتی بعد از این دوره و زمانی که شهید نیلفروشان فرمانده عملیات کل سپاه شد نیز ادامه داشت تا اینکه بعد از شهادت سردار زاهدی (فرمانده سپاه لبنان و سوریه)، آقا سید شخصا درخواست کردند



میان لیست ۱۰ نفره، حاج‌عباس را انتخاب کردند. تمام دل‌خوشی شهید نیلفروشان در شش‌ماهه باقی‌مانده از عمر خود، همین بود که این مسئولیت «امر مولا» و «جهاد با رژیم صهیونی» است. اما ایشان به‌رغم نیاز شدیدی که پدر و مادر پیر ایشان به حضور تنها پسر خود داشتند، امر مولا را لبیک گفت و تنها بعد از چند ساعت از امر ایشان، بدون خداحافظی با خانواده، چمدان کوچک خود را برداشت و عازم بیروت شد.

■ **تکیه‌گاه سیدحسن در حزب‌الله**

سیدحسن نصرالله، در اولین ملاقات به شهید نیلفروشان گفته بود: حاج‌عباس! تو اجابت دعا‌های من در شب قدر هستی! همچنین در جلسه معارفه حاج‌عباس در مقابل همه به ایشان گفته بود: «حاج‌عباس رفیق، شریک و تکیه من در حزب‌الله است.»

این انتخاب که حاصل اجماع تمامی فرماندهان حزب‌الله و نظر شخصی آقا سید بود، باعث شد تا مسئولیت‌های گسترده‌ای به ایشان محول شود تا جایی که شهید نصرالله، حاج‌عباس را به عنوان فرمانده گره‌آگاه جنگ با رژیم صهیونیستی تعیین کرد. حضور پدر در لبنان به ویژه دوره دوم و سوم، منشأ اثرات و ابتکارات سرشاری در حوزه دکترین و راهبرد حزب‌الله، سازمان‌رزم آن، آموزش نیروها و نیز تجهیزات نوین شد که بسیاری از آنها هنوز قابل‌اطلاع، سانی و اعلام نیست.

■ **غم بی‌نهایت شیعیان لبنان**

در روزهای ابتدایی مهر ۱۴۰۳ آقا سید از پدر- که تنها ایرانی باقی‌مانده در ضاحیه بود -می‌خواهد به مرکز ایشان که تحت ملاحظات و تدابیر امنیتی قوی‌تری قرار داشت، بیاید. در نتیجه او روزهای پایانی عمر خود را شبانه‌روز در کنار آقا سید بود. سرانجام در عمر، بر اثر بمباران اسرائیل با ۸۳تن بمب سنگرشکن امریکایی، حاج‌عباس و آقا سید در کنار یکدیگر به فیض شهادت رسیدند که این همراهی تا دم شهادت، توفیق مضاعفی برای پدر بود. این خون اثرات زیادی داشت و از جمله باطل‌السحر موج‌رسان‌های شبکه‌های معاند بود که ادعا کرده بودند: «بران حزب‌الله را معامله کرده است.» چون عالی‌ترین فرمانده میدانی جمهوری اسلامی در کنار آقا‌سید شهید شده بود و این حضور، در مقابل غم بی‌نهایتی که شیعیان لبنان در شهادت آقا‌سید داشتند، آنها را به استعمار پشتیبانی ایران دل‌گرم می‌کرد.

■ **در مقابله با داعش شهید نمی‌شوم!**

پدر حتی پیش از سفر به لبنان، از خواب شهادتش برای ما روایت کرد و گفت: من خواب شهادت و حتی تشییع جنازه‌ام را هم دیدم‌ام. مردم در یک مراسم بسیار باشکوه برای تشییع پیکرم، جمع شده بودند. از ابتدای آن بزرگراه آنها، سراسر جمعیت آمده بودند. آن زمان مادرک درستی از این صحنه ندانشیم، چون تا آن موقع تشییع با آن شکوه و گستردگی که بابا از آن یاد می‌کرد را ندیده بودیم. از زمان تشییع شهدای کربلای ۴ به بعد، تشییع‌های پر جمعیت و عظیمی در کشور برگزار شد، آنجا بود که تازه متوجه شدیم؛ آن تصویری که بابا برای ما از تشییعش توضیح می‌داد، چه اندازه می‌توانست با شکوه باشد.

یادم است در سال‌های ۹۴تا۹۶ که در لبنان بودیم، گاهی پیش می‌آمد که از بابا برای مدتی بی‌خبر می‌ماندیم، ما که دل‌تنگ و نگران می‌شدیم، گلابی می‌کردیم که چرا تماس نگرفتید یا خبری ندادید؟! ایشان با آرامش می‌گفت: من که به شما گفته‌ام، من اینجا شهید نمی‌شوم. من یک‌بار دیگر به عنوان فرمانده به لبنان برمی‌گردم و در مقابله با اسرائیل شهید می‌شوم. همیشه این را بااطمینان می‌گفت و وقتی باز نگرانی ما را می‌دید، لبخند می‌زد و می‌گفت: «نگران نباشید، من در مقابل داعش شهید نمی‌شوم.»

■ **حاج‌عباس واسطه‌ای میان خود و خدا**

یک نکته دیگری هم در مورد تفحص پیکر بابا که ۱۴روز بعد از شهادتش شناسایی شد، برای‌تان روایت می‌کنم که هنوز هیچ‌جا به‌طور رسمی منتشر نکرده‌ایم. مسئولان لبنانی به ما گفتند: زمانی که به پیکر حاج‌عباس رسیدیم، دیدیم که او در حالت نشسته پتویی به دور خود پیچیده است. برای ما خیلی عجیب و در عین حال جالب بود. گفتیم این نشان از تجربه‌جنگ دارد که حاج‌عباس با احتمال حمله شیمیایی پتو را دور خودش پیچیده‌اند. آنها گفتند: وقتی پتو را کنار زدیم، دیدیم حاج‌عباس کاملاً سالم است، بدون کوچک‌ترین تغییری، گویی تازه لحظاتی پیش به شهادت رسیده بود. گوینده نقل می‌کند که معمولاً بدن پس از حدود ۱۸ ساعت شروع به تجزیه و تغییر می‌کند و در دو تا سه روز بعد، دگرگون می‌شود اما



بعد از شهادت سردار زاهدی (فرمانده سپاه لبنان و سوریه)، آقا سید شخصا در خواست کردند «حاج‌عباس» جایگزین ایشان شود. با توجه به اهمیت این مسئولیت، حضرت آقا باید نظر نهایی را می‌دادند. ایشان به‌رغم اینکه سردار نیلفروشان را برای تصدی کارهای مهمی درون خود سپاه در نظر داشتند، با توجه به شرایط خاص جبهه مقاومت و درخواست شخص آقا‌سید، از میان لیست ۱۰نفره، حاج‌عباس را انتخاب کردند. تمام دل‌خوشی شهید نیلفروشان در شش‌ماهه باقی‌مانده از عمر خود، همین بود که این مسئولیت «امر مولا» و «جهاد با رژیم صهیونی» است.



شهید حاج عباس نیلفروشان - کردستان سال ۱۳۴۰

حاج‌قاسم خیلی اعتبار داشت. از این رو بخش غرب سوریه و شرق لبنان را به حاج‌عباس سپردند. یعنی سلسله شرقی و بخش قلمون و... بعد هم گفتند ابتدا اینجا را آزاد کنیم و بعد برویم سمت حلب. خاطر‌های که من دارم مربوط به زمانی می‌شود که مادر قلمون بودیم، چون تازه تقریباً هفت، هشت ماه بود شهید الله‌دادی و شهید جهاد مغنیه شهید شده بودند، یکی از فرماندهان حزب‌الله به نام ابوجمیل از پشت بیسیم فریاد می‌زد: نگذار بدخاج عباس جلو برود! ولی حاج‌عباس خودش یک سلاح AKS (آکاس) داشت و می‌رفت جلو و مستقیماً درگیر می‌شد. ما هم همراه ایشان بودیم. یکی از دوستان پشت بیسیم داد می‌زد و به بچه‌ها می‌گفت: چرا اجازه دادید حاج‌عباس بیاید جلو! یک جایی رسیدیم که منطقه‌ای خیلی خطرناکی شد، مسلحین ما را می‌زدند. به حاج‌عباس گفتیم: نباید اینجا شهید شویم! بچه‌های حزب‌الله جلو هستند و... سه بار این را به حاج‌عباس گفتیم. اما ایشان می‌گفت: من اینجا شهید نمی‌شوم! پرسیدم: چرا؟! گفت: من خواب دیدم برمی‌گردم و مرتبه سومی که می‌آیم لبنان، آن وقت شهید می‌شوم. این را چند بار ی به من گفت: حتی آخرین باری که ایشان را ملاقات کردم گفتیم تو را به خدا مراقب باشید. حتی بعد که با ایشان تماس گرفتم؛ گفتیم من دلم خیلی شور می‌زند در این فضای که رژیم به وجود آورده است، من خواهش می‌کنم که مراقب باشید، می‌گفت: حتماً! ان‌شاءالله و هرچه قسمت باشد. خودش هم می‌دانست طبق همان رؤیای صادقه‌ای دیده بود، مرتبه سومی که می‌آید لبنان در جنگ مستقیم با اسرائیل شهید می‌شود.

شهادت او برایم بسیار سنگین و سخت بود. حاج‌عباس برای من تنها یک فرمانده نبود؛ پدری مهربان بود که در کنار او رشد کردم و بالیدم. با اطمینان می‌توانم بگویم زندگی‌ام به دو بخش تقسیم می‌شود: پیش از آشنایی با حاج‌عباس و پس از آن. همان‌گونه که حضرت آقا فرمودند، او فرمانده‌ای شجاع، اندیشمند و باصلاحیت بود. همراهی و همسنگری با او برای من لطفی بود که خدا نصیب من کرد. حاج‌عباس اهل شعر و شاعری بود. همیشه بعد از نماز صبح طبع شعر و شاعریش گل می‌کرد و اشعار را مرقوم می‌کرد. همه اشعارش در کتابی با نام «چکامه نیلی» تدوین و در سالگرد شهادتش از کتاب دیوان اشعار شهید حاج‌عباس نیلفروشان رونمایی شد.

در پایان باید بگویم، با گذشت سیال ک از شهادتش، هنوز دل‌تنگ او هستم. دل‌تنگ فرماندهی که با تمام وجود پای نیروهایش ایستاد، دل‌تنگ مجاهدی خستگی‌ناپذیر که هیچ‌گاه در مسیر بی‌پای‌الله باز نایستاد و پناه و تکیه‌گاهی استوار برای حزب‌الله بود.



به روایت سپهبد شهید حسین سلامی

■ **آخرین مسئولیت من در سپاه است**

سردار شهید حسین سلامی، در بخش‌هایی از روایات خود از شهید حاج‌عباس نیلفروشان به‌خاطر‌های او مأموریت ایشان به لبنان اشاره می‌کند و می‌گوید: من یادم می‌آید آن روزی که حاج‌علی زاهدی شهید شده بود یا جلسه‌ای بودیم، در ستاد کل شاید خود حاج‌عباس آقا هم نمی‌دانست؛ هم آنجا مطرح شد گفتند چه کسی می‌رود لبنان، همان‌جا ما گفتیم: حاج‌عباس آقا. به نظرم هیچ تغییری در حالتش ایجاد نشد که مثلاً به‌ت‌زده نشود یا تعجب کند یا تغییری... آمد گفت: هر کجا باشد من می‌روم. بعد گفت: من می‌روم ولی این دیگر آخرین مسئولیتی است که من می‌گیرم در سپاه مطمئناً که این به شهادت ختم می‌شود...

بر شی از وصیت‌نامه شهید حاج‌عباس نیلفروشان:

«...استقامت در این راه همواره صحرای کربلای حسین(ع) را برایم تداعی می‌کند؛ خدایا تو را سپاسگزارم که به من توفیق تشرف در راه خونین حسین(ع) را عطا فرمودی. چه زیبا و غرورآفرین است گام نهادن در مسلخ عشق، چه روح‌افزا و فرح‌بخش است احساس حضور در محضر یار، خدایا فقط تو می‌دانی که سال‌هاست شور و عشق شهادت و وصال تو با من چه می‌کند، فقط تو می‌دانی که برای رسیدن به رضایت تو و همسنگران شهیدم لحظه شماری می‌کنم و سختی فراق را به سختی تحمل می‌کنم...خدایا! بابت همه‌چیز از تو سپاسگزارم. تو همه نعمت‌هایت را به من تمام کرد‌ای. دین اسلام و ولایت اهل بیت، سربازی جبهه اسلام و ولایت فقیه، خانواده خوب و مذهبی، دوستان با صداقت و صمیمی... اینها چیزهای کمی نیست که تو به من داده‌ای.»

	۳	۵	۶	۷	
۷	۲	۳		۶	۱
۲		۸			
	۹	۲	۱		
۹	۳	۴			
		۱			۵
		۷	۹		
۷		۲	۴		

۳	۲	۷	۵	۱	۶	۸
۵	۱	۶	۷	۲	۳	۸
۸	۵	۱	۶	۷	۲	۳
۶	۷	۲	۳	۵	۱	۸
۱	۸	۵	۶	۷	۲	۳
۸	۵	۱	۶	۷	۲	۳
۷	۲	۳	۵	۱	۶	۸
۵	۱	۶	۷	۲	۳	۸
۸	۵	۱	۶	۷	۲	۳
۶	۷	۲	۳	۵	۱	۸
۱	۸	۵	۶	۷	۲	۳
۸	۵	۱	۶	۷	۲	۳
۷	۲	۳	۵	۱	۶	۸
۵	۱	۶	۷	۲	۳	۸
۸	۵	۱	۶	۷	۲	۳

جدول سودوکو

ارقام تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه در سه فقط یک بار

به کارروند

جدول کلمات متقاطع

■ **پاسخ جدول شماره ۷۴۳۵**

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۴۳۶

از راست به چپ

■ ۱- گیاهی علفی و پایا با ریشه معطر و دارویی - گودال زیرزمینی ■ ۲- نباید گلوگیر بشود- بخش سایش پذیر ترمز- مکان و آشیان ■ ۳- مغرور - رودی در چین- بین المللی- آلت شالی کوبی ■ ۴- سیماب- از به پا کردنی ها- همزن ■ ۵- پارچه یمانی- شهر عفران- تابه نان پزی- ویتامین جدولی ■ ۶- دریا- میوه و سبزی های تازه- سگ بیمار ■ ۷- شکافنده علوم- جایزه قهرمانی- آسیب ■ ۸- قدم یک پا- زادگاه نیما- مکر و حيله- جدید ■ ۹- سجده کننده- اندازه گرمی و سردی هوا- زنج ■ ۱۰- استخوان ران - خشمگین- شامل همه ■ ۱۱- کجاست؟- انصاف- ارتعاش- از شهرهای سیستان ■ ۱۲- نرذه- سسوی و طرف- ظرف آب ■ ۱۳- خاخام- از ابزار نقاشی- بغل- حرف فقدان ■ ۱۴- گلی سفید، کوچک و خوشبو- کشور اکرا- لامپ شکسته ■ ۱۵- هراس- بیماری مسری کودکان

از بالا به پایین

■ ۱- چاشنی کاهو- هبر ملی اندونزی ■ ۲- اهرم- کرمینه- تند و تیز ■ ۳- مخفف بلکه- دوستی- پارنامه- ترعه و کانال ■ ۴- پارکینسون- حرف فاصله- مادر لبر- زهر ■ ۵- رود جیحون- باشه- بوستان ■ ۶- مقابل علیه- شهری در استان سمنان- مغز سر ■ ۷- واحدی در سطح- دلدار پروانه- حنا ■ ۸- رها- پسوند الودگی- متضاد فرع- عادت ■ ۹- مشهور- قوچ- دانه گیاه کتان ■ ۱۰- ورزشی مفرح- پارچه شطرنجی- همراهِ ناله ■ ۱۱- احاد- علم- نوعی قایق ■ ۱۲- دریا- صورت- سزاز شاکي- کنایه از مردن و جان دادن ■ ۱۳- فیلم علی حاتمی- آشتی- کف- روحانی زرتشتی ■ ۱۴- ایمن- خالق طاعون- گریزنده ■ ۱۵- فسیل- خالق نابولی عصر عاشورا